



جلسه سیزدهم - درس خارج مهدویت - ۹۱/ ۸/ ۱۴

جلسه سیزدهم - ۹۱/ ۸/ ۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحی
وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

بحث راجع به رجعت ائمه: و نقش آنها در حکومت امام زمان ۴ است. آیا ائمه اطهار: تشکیل دهنده حکومت
هستند و حکومت امام زمان ۴ مقدمه است؟ یا اینکه حضورشان تشریفاتی است؛ تشریفاتی برای تجلیل و تعظیم و
احترام به حکومت جهانی امام زمان ۴ است.

می‌دانیم که ائمه: رجعت می‌کنند ولی انگیزه آن بزرگواران را از رجعت نمی‌دانیم. در این حوزه، امر بین افراط و
تفریط است. بعضی مدعی هستند که حکومت امام زمان مقدمه است و ائمه طاهرين: و امیرالمؤمنین روحی فداه
در رجعت، حکومت می‌کنند. در مقابل، بعضی افراد هستند که اصلاً منکر رجعت ائمه طاهرين:، بلکه منکر اصل
رجعت هستند. فعلاً روی صحبت ما با کسانی است که مدعی هستند حکومت امام زمان ۴ مقدمه است و اصل
حاکمیت برای امیرالمؤمنین ۷ است. بررسی روایات در این زمینه است.

از مجموع روایات بررسی شده، اصل رجعت ائمه را ثابت نمودیم. يك يا دو روایتی هم که نقش ائمه:، خصوصاً
امیرالمؤمنین ۷ را در حاکمیت دوران رجعت ثابت می‌کرد دارای مشکلات سندی بود.

بیان روایت

این روایت در واقع همان خطبه غدیریه است [۱]_# [ftn1]_. این روایت را از کتاب احتجاج می‌خوانم. در این خطبه، پیامبر ۹ از ائمه طاهرين و امام زمان ۴ نام می‌برد. اواخر خطبه می‌فرماید که: «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيّاً وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً» و در جای دیگر خطبه می‌فرماید:

ادامه روایات رجعت پیامبر و اهل بیت:

روایت بیست و سوم:

«أَلَا إِنَّ الْخَلَائِلَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَ أَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أئِمَّةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ»

بدانید! که حلال و حرام بیش از آن است که به شمار آید و آنها را معرفی کنم، پس در یک مکان امر به حلال نمودم و از حرام بازداشتنم، و بهمین ترتیب از طرف خداوند مأمور شده‌ام که از شما برای علی بن ابی طالب و امامان پس از او که از من و اویند از شما بیعت بگیرم، آنان تا روز قیامت امام و پیشوایند، و مهدی امت من که به حق داوری می‌کند از آنان است.

در این خطبه پیامبر ۹ تصریح می‌کند که بعد از امام زمان ۴، امام دوازدهم حجتی نخواهد بود. (شاهد بنده در این جمله است که ذکر می‌کنم) پیامبر ۹ می‌فرماید:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ»

ای گروه مردم! من نبی و علی وصی است. بدانید که خاتم امامان: قائم مهدی، از ما است، بدانید که او مسلط و قاهر در دین است. بدانید، او از ستمکاران انتقام خواهد گرفت.

سپس، پیامبر ۹ خصوصیات چنین امامی - امام زمان ۴ - را بیان می‌کند

«أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْخُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ فِي بَحْرِ غَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُتَّبِعُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ»

بدانید که او مسلط و قاهر در دین است. بدانید، او از ستمکاران انتقام خواهد گرفت. بدانید، او فاتح قلعه‌ها و شهرها است. بدانید او مشرکان و دشمنان دین را نابود می‌کند. بدانید، او خونبهای اولیای خدا را می‌گیرد، بدانید، او یاری رسان دین خدا است، بدانید، او از دریای وسیع حقیقت و معرفت می‌نوشد، بدانید، که او هر کس را به فراخور حال و استعداد و کردارش مقام و رتبه می‌دهد، بدانید، او برگزیده و منتخب خداوند است. بدانید، او وارث علوم [انبیاء] و محیط بر [حقائق] آن است. بدانید، او مخبر پروردگار و معزف ایمان به او است، بدانید، او صاحب عقل سلیم و ثبات در رأی و عمل است. بدانید، امور دین الهی به او واگذار می‌شود، بدانید، که پیامبران گذشته به وجود او بشارت داده‌اند.

شاهد در این جملات است:

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكَمَهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ غَلَانِيَّتِهِ

بدانید، او حجت باقی خدا است و پس از او حجتی نیست، و حق تنها با اوست، و نور تنها نزد او می‌باشد. بدانید، او همیشه پیروز است و شکست در او راهی ندارد. بدانید، او ولی خدا در زمین، و حاکم او در میان بندگان، و امین به اسرار و ظواهر خدا است.

کسانی که می‌گویند امام زمان ۷ رحلت می‌کند و بعد از امام زمان مهدی می‌آیند، این‌ها چه کسانی هستند؟ معصومند یا غیرمعصوم هستند؟ اگر غیرمعصوم هستند پس زمین از حجت خالی می‌شود. اگر معصوم هستند آنها چه کسانی هستند؟ آیا همان ائمه‌ی اثناعشرند یا غیر از آنها هستند؟ و اگر غیر آنها باشند، معنایش این هست که معصومین در اسلام بیش از ۱۴ نفر هستند. و اگر ائمه معصومین: هستند که زمام امور را بدست می‌گیرند با عبارت **«أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ»** سازگاری ندارد مگر اینکه تأویل کنیم - بگوییم حجت در کنار مهدی و یا در عرض آن حضرت است - که آن هم خلاف است.

فرازی دیگر از این خطبه چنین است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا

مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّوَرُّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَسْئَلِكِ تُمْ فِي غَلِيٍّ - تُمْ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْأَثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ

ای گروه مردم! به خدا و پیامبرش و نوری که با او نازل شده- قرآن- ایمان بیاورید پیش از آنکه چهره‌هایی را محو و ناپدید کنیم آن گونه که آنها را به پشت سرشان بگردانیم. ای گروه مردم! نور خداوند در من راه یافته، سپس در علی، و پس از آن در نسل او تا قائم مهدی جاری خواهد بود، مهدی، همو که حق خدا و هر حقی را می‌گیرد از

ماست، زیرا خداوند ما را حجتی بر اهل تقصیر و عناد و خلاف و خیانت و گناه و ستم و خلاصه بر همه جهانیان قرار داده است.

نتیجه بحث

عبارت «أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ»، در این روایت با ادعای مقدمه بودن حکومت حضرت مهدی ۴ برای حکومت دیگر ائمه معصومین: خصوصاً امیرالمومنین ۷، سازگاری ندارد.

بیان روایتی دیگر

این روایت را مرحوم والد ما در «الشیعة و الرجعة، ج ۲، ص ۳۲۳» از کتاب منتخب البصائر نقل می‌کند.

مرحوم والد از مولف کتاب تعبیر شیخ معتمد کرده است. انصافاً مرحوم سلیمان مرد بزرگی بود. شخصیت بزرگوار، عالمی فاضل و اهل دقت در روایات بود. روایت را مفضل از امام صادق ۷ نقل می‌کند. این روایت مفصل که ظاهراً مصاحبه مفضل با امام بوده، مشتمل بر جزئیات و تفصیل جریان حضرت مهدی ۴ می‌باشد. بنده این روایت را از منبع اصلی نقل می‌کنم. البته مرحوم مجلسی هم روایت را نقل کرده ولی از منبع، نامی بمیان نیاورده است.

قبلاً گفتیم که بخشی از کتاب منتخب البصائر، تلخیص کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری است و قسمت دیگر آن، نقل از کتاب‌های دیگر است. مولف هر وقت از جای دیگر نقل کرده، منبع را نام می‌برد- مثلاً بالاسناد عن الصدوق و یا عن الشیخ الطوسی - تا با مطالب کتاب بصائر الدرجات اشتباه نگردد. اما روایت:

روایت بیست و چهارم:

«حَدَّثَنِي الْأَخُ الصَّالِحُ الرَّشِيدُ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَسَّنٍ الْمَظَارِ أَبَا دِيٍّ أَنَّهُ وَجَدَ بِحِطِّ أَبِيهِ الرَّجُلِ الصَّالِحِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَسَّنٍ هَذَا الْحَدِيثَ الْأَتِي ذِكْرُهُ وَ أَرَانِي خَطَّهُ وَ كَتَبْتُهُ مِنْهُ، وَ صَوَّرْتُهُ ؛ الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْدَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ عَنْ عَمْرِ بْنِ الْفَرَاتِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ، عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِ، قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عَ هَلْ لِلْمَأْمُولِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ عَ مِنْ وَقْتٍ مُوقَّتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ؟ فَقَالَ: «حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يُوقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شَيْعَتُنَا». قُلْتُ: يَا سَيِّدِي وَ لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: «لِأَنَّهُ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

از مفضل بن عمر روایت شده است که گفت: از آقایم حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مأموریت مهدی منتظر وقت معینی دارد که باید مردم بدانند کی خواهد بود؟ فرمود: حاشا که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند. عرض کردم: آقا برای چه؟ فرمود زیرا وقت ظهور او همان ساعتی است که خداوند میفرماید:

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقَّتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا »

«درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند، کی فرامی‌رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او (نمی‌تواند) وقت آن را آشکار سازد (اما قیام قیامت، حتی) در آسمانها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی‌آید!» (باز) از تو سؤال می‌کنند، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن با خبری! بگو: «علمش تنها نزد خداست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»

« وَ قَالَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ » وَ لَمْ يَقُلْ إِنَّهَا عِنْدَ أَحَدٍ

علم آن وقت فقط در نزد خداست. و در آیه دیگر فرمود:

« وَ قَالَ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا »

آیا آنها [کافران] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد (آن گاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است اما هنگامی که بیاید، تذکر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت!

« وَ قَالَ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ » قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! و در آیه دیگر فرمود:

وَ قَالَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ. يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

تو چه می‌دانی شاید ساعت (قیام قیامت) نزدیک باشد. کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن شتاب می‌کنند ولی آنها که ایمان آورده‌اند پیوسته از آن هراسانند، و می‌دانند آن حق است آگاه باشید کسانی که در قیامت تردید می‌کنند، در گمراهی عمیقی هستند.

قُلْتُ: فَمَا مَعْنَى يُمَارُونَ؟ قَالَ «يَقُولُونَ مَتَى وُلِدَ، وَ مَنْ رَأَاهُ؟ وَ أَيْنَ يَكُونُ؟ وَ مَتَى يَظْهَرُ؟ وَ كُلُّ ذَلِكَ اسْتَعْجَالًا لِأَمْرِ اللَّهِ، وَ شَكَّا فِي قَضَائِهِ، وَ دُخُولًا فِي قُدْرَتِهِ، أُولَئِكَ الَّذِينَ [الَّذِينَ] حَسَبُوا الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ وَ إِنَّ لِلْكَافِرِينَ لَشَرَّ مَا بَ».

عرض کردم: معنی «یمارون» چیست؟ فرمود: یعنی مردم می‌گویند قائم کی متولد شده و چه کسی او را دیده، و حالا کجاست و چه وقت آشکار می‌شود؟ اینها همه عجله در امر خدا و شک در قضای الهی و دخالت در قدرت اوست

اینان کسانی هستند که در دنیا زیان می‌برند و پایان بد از آن کافران است

قُلْتُ: أَ فَلَا تُوقَّتْ لَهُ وَقْتًا؟ فَقَالَ: «يَا مُفَضَّلُ لَا أَوْقَّتْ لَهُ وَقْتًا، وَلَا يُوقَّتْ لَهُ وَقْتًا [وَقْتُ]، إِنَّ مَنْ وَقَّتْ لِمَهْدِيْنَا وَقْتًا فَقَدْ شَارَكَ اللَّهَ فِي عِلْمِهِ، وَ ادَّعَى أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَى سِرِّهِ...»

عرض کردم: آیا وقتی برای آن تعیین نشده؟ فرمود: ای مفضل! نه من برای آن وقتی، معین میکنم و نه وقتی برای آن تعیین شده است! هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و (بناحق) ادعا کرده که توانسته است بر اسرار خدا آگاهی یابد!

...قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يُدْرَى ظُهُورُ الْمَهْدِيِّ ع وَ إِلَيْهِ التَّسْلِيمُ؟

مفضل گفت: چگونه ظهورش دانسته می‌شود تا از او پیروی شود.

قَالَ ع: «يَا مُفَضَّلُ يَظْهَرُ فِي شُبْهَةِ لَيْسْتَبِيْن، فَيَغْلُو ذِكْرُهُ، وَ يَظْهَرُ أَمْرُهُ، وَ يُنَادَى بِاسْمِهِ وَ كُنْيَتِهِ وَ نَسَبِهِ، وَ يَكْتُرُ ذَلِكَ عَلَى أَفْوَاهِ الْمُحِقِّينَ وَ الْمُبْطِلِينَ، وَ الْمُوَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ، لِتَلَزَمَهُمُ الْحُجَّةُ بِمَعْرِفَتِهِمْ

مفضل گفت: در وقت ظهورش چگونه است؟ فرمود: ای مفضل! او در وضع شبهه‌ناکی آشکار می‌شود، تا اینکه امرش روشن شود و نامش بالا رود و کارش آشکار گردد، و نام و کنیه و نسبش برده شود، و آوازه او در زبان پیروان حق و باطل و موافقین و مخالفین زیاد برده می‌شود؛ تا اینکه بواسطه شناختن او حجت بر مردم تمام شود.

«... ثُمَّ يَظْهَرُ الْحُسَيْنُ ع فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ صَدِيقٍ وَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ رَجُلًا أَصْحَابِهِ يَوْمَ كَرْبَلَاءَ فَيَا لَكَ عِنْدَهَا مِنْ كَرَّةٍ رَهْزَاءَ بَيْنَاءَ ثُمَّ يَخْرُجُ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَ يُنْصَبُ لَهُ الْقُبَّةُ بِالنَّجَفِ وَ يُقَامُ أَرْكَانُهَا رُكْنٌ بِالنَّجَفِ وَ رُكْنٌ بِهَجَرَ وَ رُكْنٌ بِصَنْعَاءَ وَ رُكْنٌ بِأَرْضِ طَبِيبَةَ...»[۲]. [ftn2_#]

آنگاه حسین ۷ با دوازده هزار صدیق و هفتاد و دو نفری که در کربلا از یاران او بودند و با وی شهید شدند، آشکار می‌شود. ای خوش آن رجعت نوری، سپس صدیق اکبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ۷ ظهور میکند و خیمهای که بر چهار پایه استوار باشد در نجف برای وی بر سر پا میکنند. يك پایه آن در نجف و پایهای در حجر اسماعیل و پایهای در صفا و پایهای در زمین مدینه است.

ان شاء الله باقي روایت را در جلسه بعد دنبال میکنیم زیرا در این روایت، رجعت ائمه اطهار: بیان شده است.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[۱]. [ftnref1 #]. بنده اسناد خطبه غدیر را در مباحث کلام بررسی کردم که آیا این خطبه‌ی غدیر فقط اختصاص به کتاب شریف احتجاج دارد و یا دیگران هم نقل نموده‌اند؟ لذا در اینجا متعرض این بحث نمیشوم مگر اینکه لازم باشد اشاره اجمالی کنم

[۲]. [ftnref2 #]. مختصر البصائر؛ ص ۴۳۴ به بعد

شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
جلسه ۲۱ بحث دیدار آیت الله	جلسه	جلسه ۷ بحث	جلسه بیست	جلسه هفدهم	الگو قرار دادن	جلسه ۶ بحث	
روایات ندای	شهرستانی (زید چهاردهم-درس روایات سفیانی و پنجم-درس	بحث قیام	حضرت	روایات ندای	آسمانی=		
عزه)-بل آیت	خارج	مهدویت- ۱۵ /	مهدویت =	۹۱/ ۹ / ۲۵ -	ظهور=درس	زندگانی ما	درس خارج
مهدویت=	مهدویت=	۹۰/۰۳/۰۷	خارج مهدویت	انعکاس دارد و	مهدویت =		
۹۰/۱۲/۲۱	صدیقه	۹۱/ ۸	۹۳/۰۱/۱۸ -	تاثیرگذار است	۹۰/۱۰/۱۷		

○

پاسخ



کلیه حقوق محفوظ است، استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.